

حمله جنایتکارانه پاسداران رژیم به پایگاه حزب دموکرات کردستان ایران در خاک عراق را محکوم می کنیم!

خبرگزاری روتر، عملیات تجاوزگرانه نیروهای سپاه پاسداران در خاک عراق به فرار بیش از دو هزار تن از پناهندگان کرد ایرانی در منطقه و گردآمدن آنها در اطراف دفتر کمیساریای سازمان ملل در شهر اربیل انجامیده است.

طبق گفته یک مقام ارشد نیروهای سازمان ملل مستقر در منطقه - که به شکلی «بی طرفانه» شاهد حمله نیروهای نظامی جمهوری اسلامی بودند، نیروهای سپاه پاسداران پس از دو روز زیر آتش گرفتن پایگاه های حزب دموکرات کردستان، این ناحیه را ترک کرده اند.

وزارت امور خارجه عراق در روز دوشنبه ۸ مرداد اعلام کرد که کاردار سفارت جمهوری اسلامی در عراق را به آن وزارتخانه احضار کرده و اعتراضیه شدیدی به خاطر تجاوز نیروهای جمهوری اسلامی به داخل خاک عراق به وی تسلیم کرده است.

گفته می شود این اقدام تجاوزگرانه و جنایتکارانه جمهوری اسلامی با کمک و هماهنگی نیروهای وابسته به اتحادیه میهنی کردستان عراق (نیروهای وابسته به جلال طالبانی) صورت گرفته است. طبق گزارشات تأیید نشده، نیروهای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی شب پیش از آغاز حمله خود به مقر حزب دموکرات کردستان، در پایگاه های اتحادیه میهنی کردستان عراق در نزدیکی سلیمانیه مستقر شده بودند. تجاوز علنی جمهوری اسلامی به خاک عراق در برابر چشم نیروهای «بی طرف» سازمان ملل متحد مستقر در کردستان عراق، نه فقط نشانه ای از ماهیت جنایتکار و تجاوزگر رژیم حاکم بر ایران، بلکه حاکی از توطئه آشکاری است که در سطح منطقه، با اطلاع و تحریک دولت آمریکا، علیه جنبش های رهایی بخش منطقه در جریان است.

حزب توده ایران این اقدام جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و دیگر توطئه های امپریالیسم را که تحت پوشش نیروهای سازمان ملل متحد علیه خلق های منطقه به پیش برده می شود قاطعانه محکوم می کند و از همه نیروهای انسان دوست و آزادیخواه جهان می خواهد که تمامی کوشش خود را برای متوقف کردن این توطئه های ضد مردمی علیه مردم منطقه به کار گیرند.

در روز جمعه پنجم مرداد ماه، بیش از ۲۰۰۰ نفر از نیروهای سپاه پاسداران رژیم، مجهز به سلاح های سبک و سنگین نظامی، با عبور از مرز وارد عراق شدند و طی یک حمله نظامی دوازده روزه، پایگاه حزب دموکرات کردستان ایران واقع در «کوی سنجیق» را زیر آتش سلاح های سبک و سنگین خود گرفتند. بر اساس بیانیه ای که از سوی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی منتشر شده است، در جریان این عملیات، نیروهای سپاه پاسداران بیش از ۶۰ درصد تأسیسات این پایگاه و بیست تن از کادرهای درجه یک حزب دموکرات را به قتل رسانده اند.

دفتر حزب دموکرات کردستان در پاریس، طی بیانیه ای که در روز ۹ مرداد انتشار داد، ضمن محکوم کردن این تجاوز جدید رژیم جمهوری اسلامی اعلام داشت که برخلاف ادعای خبرگزاری جمهوری اسلامی، در پی حمله پاسداران رژیم، هیچیک از وابستگان این حزب کشته نشده اند و تنها مردم بی گناه در این عملیات به قتل رسیده اند. طبق گزارش



شماره ۴۸۶، دوره هشتم
سال سیزدهم، ۲۳ مرداد ۱۳۷۵

خطر ماجراجویی نظامی آمریکا علیه ایران فوری و جدی است!

آمریکایی در طهران که منجر به مرگ ۱۹ تن پرسنل نظامی آمریکا شد و سقوط مشکوک هواپیمای TWA که به مرگ تمامی ۲۳۰ سرنشین آن منتهی شد و انفجار بمب در اتلانتا، محل بازی های المپیک، محافل افراطی راست ایالات متحده را بر آن داشت تا با طرح این ادعا که شواهدی مبنی بر دست داشتن ایران در این عملیات تروریستی وجود دارد بازی خطرناکی را که می تواند برای مردم میهن ما گران تمام شود، سازماندهی و آغاز کنند.

در بررسی و تحلیل دلایل چنین موضعگیری ای از سوی امپریالیسم آمریکا چندین موضوع عمده می بایست در نظر گرفته شوند. اولاً اگر ایالات متحده و سیستم امنیتی آن هرگونه شواهدی مبنی بر دخالت ایران در بمب گذاری های اخیر دارد باید آنها را در اختیار سازمان ملل که در شرایط کنونی هنوز هم مناسب ترین مرجع برای ارزیابی و تصمیم گیری مقتضی در مورد آن است، قرار دهد. بر اساس اظهارات دولت های اروپایی و حتی خود سخنگویان رسمی ایالات متحده چنین شواهد قاطعی در دست نیست و رهبران ایالات متحده منتظر نتایج تحقیقات مقامات عربستان سعودی در مورد عاملان اصلی بمب گذاری در طهران و نیز در جستجوی قطعات هواپیمای TWA هستند که اخیراً دلایل سقوط آن را کشف کرده اند. ناظران سیاسی پیش بینی می کردند که در شرایط عدم وجود چنین شواهدی، ایالات متحده به تصمیمات و نتایج

تجاوز بیش از ۲۰ جنگنده آمریکایی به حریم هوایی جنوب ایران در کنار گزارش مطبوعات جهان مبنی بر آماده شدن ایالات متحده برای حمله به مراکز استراتژیک کشورها و همچنین توشیح طرح داماتو پیرامون مجازات شرکت هایی که به فعالیت اقتصادی و سرمایه گذاری به میزان بیش از چهل میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران و لیبی، مشغول هستند از سوی بیل کلینتون در یک کنفرانس مطبوعاتی پر سروصدا در روز ۱۴ مرداد ماه حاکی از آن است که سیاستگذاری امپریالیسم آمریکا و متحدان استراتژیک آن در منطقه (به ویژه اسرائیل) در قبال ایران وارد مرحله کیفیتا نوبتی شده است.

از نزدیک به یکسال پیش با مشخص شدن نقشی که ایران در قبال روند «صلح خاورمیانه» و روابط بین سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت اسرائیل پیش گرفته است محافل پر قدرت صهیونیستی در هیات حاکمه ایالت متحده سعی کرده اند سیاست این کشور را در رابطه با ایران تند تر و آشتی ناپذیرتر کنند. این محافل با اعلام ایران به عنوان مهم ترین حامی تروریسم بین المللی، بدون هیچ گونه کوششی جهت مستند کردن دخالت ایران در اقدامات تروریستی مورد نظرشان، (منظور آنها ترور رهبران و فعالین اپوزیسیون از سوی دستگاه امنیتی نیست)، قدم به قدم زمینه را برای ماجراجویی های جدیدی در منطقه خلیج فارس به منظور تأمین بدون قید و شرط سرکردگی امپریالیسم در امور سیاسی - اقتصادی منطقه تدارک دیده اند. در هفته های اخیر و به ویژه پس از انفجار بمبی در مجاورت پایگاه نیروهای

آقای سحابی! سران رژیم جمهوری اسلامی ضد انقلاب هستند نه نیروهای مردمی و آزادی خواه

۴۳ سال پس از کودتای ۲۸ مرداد

اندونزی در آستانه انفجار اجتماعی

ص ۳
ص ۵
ص ۸

ادامه در ص ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رویدادهای ایران



دستگیری فعالین «دفتر تحکیم وحدت»

«روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت» طی اطلاعیه ای خبر داد که متعاقب دستگیری یکی از اعضای شورای مرکزی این دفتر و دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک سابق)، جلسه فوق العاده «شورای عمومی تهران اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور» در رابطه با برخوردهایی که طی چند هفته اخیر با اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان و مرکزیت آن صورت گرفته تشکیل شده است. در این اطلاعیه گفته می شود: «در این جلسه مقرر شد تا این مسأله از طرق مختلف قانونی پیگیری شده و از ساحت جنبش اسلامی- دانشجویی کشور به نحو مقتضی صیانت و حفاظت گردد». در این اطلاعیه، «روابط عمومی دفتر تحکیم وحدت» همچنین از دستگیری ۴ نفر دیگر از اعضای «انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر» خبر داده است.

اعتراض مهاجرانی و طبرزدی به احکام صادره

حسنت الله طبرزدی، مدیر مسؤول هفته نامه «پیام دانشجو» طی نامه سرگشاده ای ادامه توقیف این نشریه را غیرقانونی خواند و نسبت به آن بار دیگر اعتراض کرد. وی در نامه خود ضمن اظهار «عدم رضایت و پذیرش» رأی دادگاه مطبوعات مبنی بر محکومیت وی، تأکید کرد که با وجود ابلاغیه دادگاه و معرفی مدیر مسؤول و صاحب امتیاز جدید «پیام دانشجو»، «هیأت نظارت بر مطبوعات» هنوز حکم توقیف نشریه را لغو نکرده است. بر اساس خبری دیگر، عطاءالله مهاجرانی، مدیر مسؤول هفته نامه تعطیل شده «بهمن» نیز طی نامه ای ضمن اعتراض به حکم دادگاه مبنی بر محکومیت وی، خواهان تجدید نظر در رأی صادره شده است.

انتخابات میان دوره ای با تأخیر برگزار می شود

علی موحدی ساوجی، نماینده پرنفوذ مجلس از جناح رسالت، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در رابطه با چا به جایی برخی از مسؤولین اجرایی در حوزه های انتخابی که انتخابات دوره پنجم مجلس در آنها باطل شده است اعلام کرد: «انتخابات میان دوره ای با تأخیر برگزار می شود». طبق قانون، انتخابات میان دوره ای باید ۵ ماه پس از تأیید نتایج قطعی توسط شورای نگهبان انجام شود که آذرماه سال جاری پایان این مهلت است. موحدی ساوجی در مصاحبه خود اظهار داشت که «به علت سوء عملکرد برخی از مسؤولان در حوزه هایی که انتخابات آن باطل شده است، شورای نگهبان معتقد است که باید این افراد عوض شوند، زیرا... انجام انتخابات سالم [!] با بودن آنها ممکن نیست». وی زمان احتمالی برگزاری انتخابات میان دوره ای مجلس را بهمین یا اسفند ماه ذکر کرد و گفت: «در حقیقت در حال حاضر

برسر این مسأله تعارض وجود دارد... و به اعتقاد من آقای رفسنجانی باید به شکلی این مسأله را حل کند». از سوی دیگر، «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» و وزرای دولت وابسته به «گروه کارگزاران» اصرار شورای نگهبان بر تغییر مسؤولین اجرایی شهرهای مورد نظر، کوشش جناح «راست سنتی» (رسالت) برای فرستادن وابستگان خود به مجلس دانستند. به نظر آنها، جناح رسالت از آن بیم دارد که در صورت تکرار نتایج مشابه در حوزه های باطل شده، نتواند در انتخابات میان دوره ای مجلس اکثریت شکننده خود در مجلس را حفظ کند.

اجرای قاطع «احکام شرع»

مرتضی مقتدایی، دادستان کل رژیم، اخیراً طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که اجرای قوانین جدید جزایی و احکام شرع «امنیت کشور را به طور کامل تأمین خواهند کرد». او در این مصاحبه اعلام کرد که «از این پس کسی که مرتکب دزدی شود برای اولین بار چهار انگشت دست راست خود را از دست خواهد داد و در صورتی که برای بار دوم مبادرت به دزدی کند انگشتان پای او قطع خواهد شد. تکرار دزدی برای بار سوم به محکوم شدن مرتکب به زندان ابد منجر خواهد گردید». به گفته او، کسانی که مرتکب راهزنی و سرقت شوند، اگر دادگاه آنها را «محارب با خدا» نشناسد و به اعدام محکوم نکند، به ۳ تا ۱۵ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد. مقتدایی در این مصاحبه همچنین اعلام کرد که به «ربا» خواری نیز از این پس به طور قاطع برخورد خواهد شد و مرتکبین به ۳ تا ۶ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد. طبق گفته او همچنین کسانی که در جریان حادثه راندگی مرتکب قتل غیرعمد شوند به ۳ تا ۶ سال زندان و پرداخت «خونبها» محکوم خواهند شد. مقتدایی در سخنان خود گفت که دادگاه ها از این پس «موظفند که همه مجازات های تعیین شده را به دقت به مورد اجرا بگذارند».

نابرابری زنان و مردان در عرصه تأمین اجتماعی

سهیلا جلودارزاده، نماینده «خانه کارگر» و شهر تهران در مجلس شورای اسلامی، در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت که «قانون تأمین اجتماعی باید بازنگری شود و اصلاحاتی بر آن انجام شود». به گفته او، «بر اساس قوانین موجود، زن و مرد بیمه شده به طور مساوی پرداخت هایی را به عنوان حق بیمه دارند ولی متأسفانه زنان بیمه شده در بهره برداری از خدمات سازمان تأمین اجتماعی در مقابل این حق بیمه با مردان بیمه شده برابر نیستند». وی افزود: «عدم پرداخت مستمری به بازماندگان زنان بیمه شده از جمله این عدم بهره وری ها است».

سهیلا جلودارزاده در ادامه سخنان خود گفت: «بر اساس قانون، پس از فوت یک زن بیمه شده که در طول عمر و اشتغالش هرماه حق بیمه پرداخت کرده، هیچ مستمری برای بازماندگان او در نظر گرفته نمی شود». وی همچنین با اشاره به مصوبه مجلس سوم مبنی بر «بازنشستگی زنان کارمند با ۲۰ سال سابقه کار» و تأکید بر این واقعیت که «زنان کارگر در مقابل فشار کار و حوادث ناشی از آن در کارخانه ها و مراکز صنعتی، آسیب پذیرتر از زنان کارمند هستند»، خواهان ارائه لایحه ای از طرف سازمان بیمه های اجتماعی برای «پیشنهاد بازنشستگی زنان کارگر با ۲۰

سال سابقه کار و بدون شرط سن» شد.

نرخ رسمی تورم به بیش از ۳۰ درصد رسید

اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، طی آماری که اخیراً منتشر کرد، اعلام نمود که شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در سطح کشور در دو ماه اول سال جاری به رقمی بیش از ۴۳۳ رسید که در مقایسه با ماه های مشابه در سال گذشته، افزایشی حدود ۳۱ درصد نشان می دهد. بنا بر این گزارش، نرخ تورم در مناطق شهری کشور در این مدت بیش از ۲۶ درصد بوده است.

اعتصاب تجار فرش در تهران و شهرستان ها

بنا به گزارش روزنامه «سلام»، تجار فرش در تهران و شهرستان ها در اعتراض به مقررات مالیاتی و ارزی رژیم و «موانعی که برسر راه ترقی صنعت فرش باقی» وجود دارد دست به اعتصاب زدند و مغازه های خود را تعطیل کردند. طبق گزارش «سلام»، اعتصاب فرش فروشان باعث شد که بازار فرش فروشان در تهران به حال تعطیل کامل درآید. به گفته فرش فروشان معترض، مالیات های آنها تا حدود ۱۰ برابر افزایش یافته و مقررات صادراتی رژیم هرگونه فعالیت را برای آنها غیرممکن ساخته است.

«سلام» به نقل از یکی از تجار اعتصابی می نویسد: «در کشورهای دیگر، دولت به اهل کسب و تجارت کمک می کند که صادرات را افزایش دهند ولی در این کشور کار کاملاً برعکس است». یکی از شکایات عمده فروشندگان فرش، ورود بی رویه فرش های «نامرغوب» از پاکستان، هند و دیگر کشورها است که به قیمتی پایین تر از بازار بین المللی در داخل کشور عرضه می شود.

وام اتحادیه بانک های چین به ایران

طبق گزارش منابع خبری چین، اتحادیه ای از ۱۴ بانک چینی با اعطای یک وام به مبلغ ۲۷۰ میلیون دلار به بانک تجارت ایران به منظور تأمین هزینه ساختمان مترویی تهران موافقت کرده است. طبق این گزارش، موافقت نامه ای نیز در این رابطه با بانک تجارت ایران به امضاء رسیده است. بر اساس این موافقت نامه، دولت ایران تجهیزات مورد نیاز خود برای ساختمان مترویی تهران را از محل اعتبار این وام از چین خریداری خواهد کرد. به گفته مقامات چین، این بزرگترین وامی است که از طرف بانک های چین در اختیار یک دولت خارجی قرار داده شده است. همچنین، یک شرکت چینی دیگر به نام «جانگ چون» ۲۱۸ قطار مسافربری به ایران تحویل خواهد داد.

تصویب نهایی طرح تحریم اقتصادی ایران

پس از تصویب طرح تشدید تحریم اقتصادی ایران در مجلس نمایندگان آمریکا، مجلس سنای آمریکا نیز به اتفاق آرا این طرح را به تصویب رساند و با توشیح آن توسط کلیتون در ۱۵ مرداد ماه، این طرح جنبه قانونی به خود گرفت. «بنجامین گیلمن» نماینده جمهوریخواه نیویورک در هنگام تصویب این طرح اعلام داشت: «این قانون شرکت های خارجی را مجبور می کند میان بازار ما و بازار آنها [ایران و لیبی] یکی را انتخاب کنند». یک روز پس از تصویب نهایی قانون مذکور، دولت های اروپایی و ژاپن نسبت به آن عکس العمل نشان دادند و آن را مغایر قوانین بین المللی خواندند.

آقای سحابی! سران رژیم جمهوری اسلامی ضد انقلاب هستند نه نیروهای مردمی و آزادی خواه

ریاست جمهور، به زندان انداخته شدند و مورد آزار و اذیت «سربازان گمنام امام زمان» قرار گرفتند.

آقای سحابی تضعیف مواضع رفسنجانی در حاکمیت و مانورهای او و طرفدارانش را برای حفظ موقعیتشان و از جمله استفاده از همه نیروهای مستقل از حاکمیت که حاضرند در این راه گام بردارند، و همچنین اوج گیری بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی و سیاسی رژیم و نارضایتی وسیع توده ها از ادامه شرایط کنونی و همچنین نضج گیری جوانه های مبارزه در جامعه را با «رفرم» طلبی و «آزادی خواه» شدن رفسنجانی و شرکاء اشتباه گرفته است و می خواهد مردمی را که با پوست و گوشت خود این تجربه دردناک را هر روز لمس می کنند، به شرکت در برنامه های تخیلی و بی اساسی که نزدیک ترین نمونه آن شرکت در «انتخابات» پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی بود، قانع کنند.

حزب توده ایران معتقد است که موضع گیری هایی از این دست تنها و تنها خاصیتش، خوراکی تبلیغاتی است که در اختیار رسانه های گروهی و از جمله چماق دار مطبوعاتی رژیم روزنامه «کیهان» برای یورش به نیروهای مترقی و آزادی خواه قرار می دهد. ما بارها گفته ایم و بار دیگر تکرار می کنیم که آزادی را نمی توان از درون زدوبند و قول و قرار های مخفی با رهبران جمهوری اسلامی و یا بخشی از این حاکمیت به دست آورد. تجربه تاریخی نشان داده است که برای تحمیل رفرم به حکومت های استبدادی ابتدا می بایست در درون جامعه برای چنین خواستی نیرو تدارک دید و مبارزان صنفی و اجتماعی گسترده و در عین حال پراکنده را به هم پیوند زد و به مبارزه سیاسی فرا رویانند و آنوقت است که رژیم را می توان وادار به عقب نشینی کرد. آزموده را آزمودن خطاست و تکرار اشتباهات تاریخی علی رغم تجربیات عینی و ملموس دیگر نمی تواند اشتباه قلمداد شود. موضع گیری سحابی و نهضت آزادی برای «حفظ نظام» ضد مردمی و استبدادی حاکم بر کشور ما گامی است در راه دامن زدن به تفرقه بیشتر و کمک به ادامه وضعیت ناگوار و دردناک کنونی که حزب ما و هیچ یک از نیروهای ملی و آزادی خواه نمی توانند با آن قرابت و همخوانی داشته باشند.

نیروهای اپوزیسیون که در هنگامه بیداد استبداد، جنایت و کشتار آزادی خواهان مجبور به جلای کشور شده اند و مبارزه آشکار علیه ترور و اختناق را به سکوت مماشات طلبانه برای حفظ موقعیت ترجیح دادند، آنهم از جانب کسانی که مدعی «دموکراسی» و «آزادی» هستند، موضوع کوچکی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. آقای سحابی و دوستان او در نهضت آزادی باید روشن کنند که آیا به گمان آنان، هزاران انسان والا، اندیشمند و آزادی خواه که یک شبه به دستور خمینی و با تأیید سران جمهوری اسلامی، از جمله شخص هاشمی رفسنجانی، در یکی از جنایتکارانه ترین کشتار های سیاسی کشورما از دم تیغ گذشتند، نیز «ضد انقلاب» بودند؟

آیا کسانی که انقلاب شکوهمند بهمین ۱۳۵۷، را از آرمان های مردمی خود مانند آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی دور کردند و با خیانت آشکار به تمامی این خواست ها رژیم استبدادی و قرون وسطایی کنونی را به میهن ما تحمیل کردند، ضد انقلاب هستند یا کسانی که در راه پیروزی این آرمان ها جان باختند؟ آیا انبوه انسان هایی که در دوران قدرقدرتی هاشمی رفسنجانی در مقام ریاست جمهور، در مشهد، شیراز، قزوین، و... در اعتراض به رژیم به خیابان ها آمدند و به نام «اراذل و اوباش» به خاک و خون کشیده شدند «ضد انقلابند» یا مزدوران مسلح و پاسداران رژیم «ولایت فقیه». آیا صد ها نفر سکنه دهکده های گرد نشین و مبارزان آزادی خواه کرد که هر چند گاهی مورد تهاجم نظامی مزدوران رژیم قرار می گیرند و کشتار می شوند ضد انقلابند یا رهبران رژیم و از جمله رئیس شورای امنیت ملی که دستور چنین جنایاتی را صادر می کنند؟

آیا اعمال سیاست های اقتصادی «درهای باز» که اتفاقاً به ابتکار شخص هاشمی رفسنجانی و برای به دست آوردن رضایت کشورها و نهاد های امپریالیستی، از جمله بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به پیش برده شد و چنین فاجعه ای از نابودی اقتصاد ملی تا فقر و عقب ماندگی دهشتناک را به میلیون ها خانواده ایرانی تحمیل کرده است، اعمال و حرکات «ضد انقلابی» است یا مقابله و مبارزه با این سیاست ها؟ آقای سحابی فراموش کرده است که در همین دوران قدرقدرتی رفسنجانی (هنگامی که ولی فقیه تازه به دست رفسنجانی بر مسند ولایت نشسته بود) عده ای از نزدیک ترین دوستان و همزمانشان در نهضت آزادی، تنها به خاطر نوشتن نامه ای اعتراض آمیز به

پدیده دفاع از خود به جای دفاع از آزادی و مشروعیت خواستن از رژیم ضد مردمی ولایت فقیه به جای مبارزه برای رها ساختن میهن از بندهای استبداد به بهانه های گوناگون، از جمله «باز شدن فضای کشور»، «دفاع از انقلاب»، «مبارزه با تهاجم فرهنگی»، «حفظ نظام» و بالاخره این نظر که «نباید گذاشت در ایران انقلاب دیگری رخ دهد» و... به روند غالب در موضع گیری بخشی از نیروهای ملی، از جمله نهضت آزادی و طرفداران آقای سحابی بدل شده است که نشانگر تلاش این بخش از اپوزیسیون برای کسب مشروعیت در چارچوب «حفظ نظام» و در عمل حفظ رژیم «ولایت فقیه» است.

این نیروها به بهانه اینکه گروه های مختلف حاکمیت با هم متفاوت هستند و این شبهه که گویا حاکمیت به دو جناح «طرفداران آزادی» و «طرفداران استبداد» تقسیم شده است، عمده ترین هدف از مبارزه در شرایط کنونی را کمک به «جناح آزادی خواه» در درون حاکمیت برای «جلو بردن رفرم» می دانند و در ماههای اخیر فعالانه تلاش کرده اند تا سایر نیروهای مخالف را نیز به قبول چنین نظری ترغیب کنند. بر اساس چنین نظریه ای هاشمی رفسنجانی «ناجی» ایران است که می بایست در کنار او کشور را از شرایط کنونی نجات داد و تنها از طریق «قانع» کردن او و جناح طرفدار او به «ادامه رفرم» است که می توان امید به تحقق دموکراسی در ایران داشت.

آقای سحابی اخیراً به بهانه پاسخ به برنامه تلویزیونی «هویت» در ایران که هدف عمده اش بدنام کردن نیروهای اپوزیسیون است، مطالبی نوشته که برخورد با آنها ضروری است. سحابی در سرمقاله مجله «ایران فردا» شماره ۲۵ در نامه سرگشاده ای به هاشمی رفسنجانی ضمن حمله به برنامه تلویزیونی «هویت» از جمله می نویسد: «این برنامه با درهم آمیختن بخشهای پراکنده ای از نشریات ضد انقلاب و کتاب های موسوم به «اسناد لانه جاسوسی» یا مقالات و نشریات نهضت آزادی ایران و رهبران آن مجموعه ای ناهمگن را پیش روی بینندگان خویش قرار می داد که از مصادیق آشکار اختلاط حق و باطل، القای شبهه و بد اندیشی و نشر اکاذیب در جامعه می باشد...» و در جای دیگری می نویسد: «احساس خطر نیز ایجاب می کند که در میان منتقدین و معترضین متمایل به حفظ نظام و برخورد مسالمت آمیز، و استقلال طلبان و وطن دوستان با معارضین معاندی که در خارج از کشور در حلقه وابستگی قدرتهای خارجی... تفکیک و تمایزی بنمایند...» (تاکید از ماست).

صرف نظر از اینکه حزب توده ایران نیز با برخی از نیروهای اپوزیسیون در خارج از جمله سلطنت طلبان خط کشی مشخص و روشنی دارد و این نیروها را نیروی وابسته به امپریالیسم آمریکا و خواهان بازگرداندن دیکتاتوری شاهنشاهی به ایران ارزیابی می کند، حمله به بخش وسیعی از

**آزادی برای همه زندانیان
سیاسی ایران!**

اندونزی در آستانه ...

کارگران بخش رفاه اجتماعی در بیانیه ای اعلام کرد که نگران سلامت او است.

رخدادهای اخیر به شدت بر بازار سهام و موقعیت رویه، واحد پول اندونزی، اثر گذاشته است. بسیاری از صاحب نظران اقتصادی که اندونزی را به مثابه یک نمونه موفق درهم آمیزی لیبراسیون اقتصادی و فضای بسته سیاسی در آسیای جنوب شرقی می دانستند، در مورد امکان ادامه حیات سیستم حاکم ابراز تردید می کنند. گرچه صندوق بین المللی پول اندونزی را به عنوان کشوری که از رشد بالای درآمد سالانه برخوردار است معرفی می کند، مردم اندونزی به طور فزاینده ای از عدم برابری اقتصادی انتقاد می کنند و به مقابله با رژیم بپا خاسته اند. چنین وضعیتی، با توجه به انتخابات عمومی سال آینده کشور تردیدهای جدی در مورد امکان پیروزی حزب گلکار به رهبری سوهارتو ۷۵ ساله در مقابل مگاواتی سوکارنو به وجود آورده است و نظامیان را به اتخاذ سیاست های سرکوبگرانه واداشته است.

در چنین شرایطی دولت به تاکتیک ترساندن صاحبان سرمایه و کمپانی های بزرگ رو آورده است تا حمایت آنها را از سرکوب جنبش مردمی تضمین کند. تلاش مطبوعات و رسانه های دولتی در برانگیختن احساسات مردم علیه کمونیست ها حکایت از ناتوانی دولت می کند.

در ۹ مرداد ماه سوئدارمان، وزیر مسئول هماهنگی امور سیاسی و امنیتی پس از دیدار و گفتگو با سوهارتو گفت که دولت یک گروه غیر مجاز سیاسی تحت نام «حزب دموکراتیک مردمی» را که مقصر اصلی درگیری های اخیر بوده است از بین خواهد برد. او گفت که «حزب دموکراتیک مردمی» و گروه های وابسته به این حزب در درگیری ها نقش داشته اند.

ناظران سیاسی متفقاً بر این عقیده اند که دولت سوهارتو از ترس از دست دادن ابتکار عمل سیاسی در برابر اپوزیسیون دموکراتیک به مبالغه نقش حزب کمونیست در تحولات اخیر پرداخته است، تا سرکوب جنبش را توجیه کند. در چنین شرایطی مگاواتی سوکارنو از هواداران خود خواسته است که به نیروهای نظامی بهانه برای سرکوب جنبش ندهند و سعی کنند که مبارزه خود را برای تغییرات دموکراتیک از کانال های مسالمت آمیز پیش ببرند.

مگاواتی سوکارنو خود علیه اقدامات غیر قانونی دولت و نیروهای نظامی به دادگاه عالی اندونزی شکایت کرده است. هرچند جلسه ۱۲ مرداد ماه دادگاه به دلیل عدم حضور قاضی اعظم که گویا «دندان درد» داشته است به تعویق افتاد، ولی تظاهرات نیروهای اپوزیسیون در دادگاه و در محل دفتر مگاواتی بر این دلالت دارد که این تاکتیک دولت نیز موثر نخواهد بود و جنبش دموکراتیک بر خواست های خود برای دموکراسی و عدالت اجتماعی پافشاری خواهد کرد.

سر نوشت مخالفین در جمهوری اسلامی

نظامی که فقط یک اهانت لفظی به هر یک از مسؤولین حتی دون پایه رژیم مجازات وحشیانه به اصطلاح قانونی دارد، آیا می توان به عنوان بهره مندی از یک حق انسانی و یک حقوق فردی، مخالفت خود را با رژیم ابراز کرد و از جوخه اعدام آن در امان ماند؟ آیا تمام این چند مورد روشنی را که بر شمریم در زمره مجهولات است که «ولی فقیه» اطلاعی از آن نداشته باشد؟ آیا به راستی خامنه ای نمی داند که جای مخالفین در جمهوری اسلامی کجاست و رژیم با صفایی که وی از آن دم می زند چه بلایی بر سر آنان و خانواده آنان آورده است و می آورد؟ مشکل است پذیرفته شود که ولی امر مسلمین که به قول «یا نصار حزب اله» در «ام القرای جهان اسلام» نشسته است، از مسایلی که پیرامون خود می گذرد این چنین ناآگاه باشد!

خامنه ای همه این ها را خوب می داند، حرف هایی که سردمداران در نظام های دیکتاتوری می زنند همیشه شباهت های بسیار قریبی باهم داشته است. با ایراد سیاه کاری های رژیم سابق نمی توان سرخی صورت رژیم «ولایت فقیه» را که از فراوانی خون های بیگناه ریخته شده برسیمای آن نشسته است پاکیزه شود.

اطلاعیه

در اردیبهشت ماه سال جاری دیداری میان نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران و شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انجام گرفت. در این دیدار پیرامون سطح روابط میان حزب و سازمان و ضرورت آغاز همکاری علی رغم اختلاف های سیاسی - نظری بحث و تبادل نظر صورت گرفت و در پایان تصمیم گرفته شد که در زمینه های مورد توافق همکاری های عملی و اقدام مشترک انجام گیرد. این موارد از جمله عبارتند از: دفاع از زندانیان سیاسی، افشای موارد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی و تلاش برای جلب نهادهای بین المللی حقوق بشر.

در این نشست همچنین تصمیم گرفته شد تا تلاش شود در سالگشت فاجعه ملی کشتار همگانی زندانیان سیاسی و برای بزرگداشت یاد آنان با همکاری دیگر نیروهای چپ و دموکراتیک اقدامات مشترک انجام گیرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

خامنه ای در جمع دست اندرکاران مطبوعات، ضمن ادامه گزافه گویی های همیشگی درباره رژیم و مردمی بودن آن، به یک نکته بسیار درستی اشاره کرد که لازم می دانیم نگاه کوتاهی بدان بیاندازیم. وی خاطر نشان ساخت که «مسؤولین یاهو گوی رژیم گذشته یک وقتی گفته بودند هر کسی با ما مخالف است از این مملکت بیرون برود» (رسالت ۱۷ اردیبهشت). در صحت این نقل قول هیچکس نمی تواند تردید داشته باشد. خامنه ای راست می گوید، حرفی بود که شاه سابق به مردم زد و نتیجه اش را ملاحظه کرد، اما سووالی که بلافاصله بدنبال چنین اظهاراتی به مغز هر شنونده خطور می کند این است که رژیم ولایت فقیه به مخالفین خود چه راهی را نشان می دهد؟ در نظامی که بقول خامنه ای «مردم ایران با آن و مسؤولان آن صفا می کنند». (همانجا) مخالفینش چه می کنند؟ و یا چه باید بکنند؟

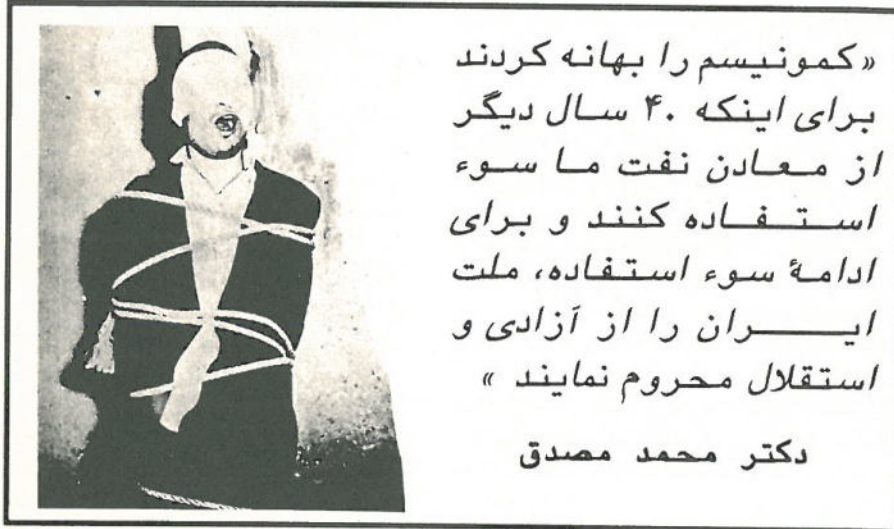
یاهو سرایی مسؤولان رژیم گذشته را همچنان معتبر دانسته و اویزه گوش خود سازند و از مملکت بروند؟ (هر چند که میلیون ها تن از آنان رفتند و یا به قولی درست تر فرار کردند و خمینی گفت، بگذار بروند!) یا در مملکت بمانند و نه به عنوان مردمی که با مسؤولان رژیم صفا می کنند بلکه به عنوان مردمی که آب می خواهند، نان می خواهند، کار می خواهند و... از همه مهمتر آزادی می خواهند، حرف خود را به گوش مسؤولان به اصطلاح مردمی جمهوری اسلامی برسانند؟ خامنه ای چه پاسخی دارد که به این سوووال ساده بدهد؟ برخورد رژیم سابق با مخالفینش همان بود که وی به درستی به گوشه ای از آن اشاره کرده است.

برخورد رژیمی که خامنه ای در راس آن قرار دارد با مخالفینش چگونه است؟ آیا مخالفین آن از امکاناتی برای ابراز عقاید خود بهره مند می باشند که نامبرده سیاهی رژیم گذشته را با سفیدی آزادی های رژیم فعلی به رخ می کشد؟ در جمهوری اسلامی با مخالفین چگونه برخورد شده است؟ در رژیمی که مخالفین سیاسی آن قلع و قمع شده اند، به طور دسته جمعی کشتار شده اند، در زندان ها و سیاهچال ها بر اثر شکنجه های وحشیانه جان باخته اند... و جمعیت عظیمی از آن به مهاجرت های اجباری روی آورده اند مردم چگونه و با چه شیوه ای می توانند در مملکت خود از امنیت سیاسی برخوردار شوند، با دیکتاتوری موجود مخالفت کنند، و از حقوق انسانی خود دفاع نمایند؟ آیا خامنه ای پیشهادی را در این مورد ارائه کرده است؟

به راستی در جمهوری اسلامی برای ابراز اینگونه مخالفت ها چه ابزاری وجود دارد؟ آزادی های فردی یا احزاب و سازمان های سیاسی؟ در

۴۳ سال پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد

مردم میهن ما همچنان در جنگال استبداد و دیکتاتوری دست و پا می زنند!



**«کمونیسم را بهانه کردند
برای اینکه ۴۰ سال دیگر
از معادن نفت ما سوء
استفاده کنند و برای
ادامه سوء استفاده، ملت
ایران را از آزادی و
استقلال محروم نمایند»
دکتر محمد مصدق**

چهل و سه سال پیش، در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سازمان های جاسوسی آمریکا و انگلستان به کمک دربار و عمال داخلی خود کودتای خونینی را بر میهن ما تحمیل کردند که پیامدهای شوم آن همچنان بر سر مردم ستم دیده میهن ما سایه افکنده است. با سقوط حکومت ملی دکتر مصدق و استقرار مجدد دیکتاتوری در کشور ما، مبارزه ای که برای تضمین استقلال و آزادی ایران از یوغ امپریالیسم آغاز شده بود به شکلی خشن سرکوب شد و موجی از اعدام و حبس و شکنجه میهندوستان و آزادیخواهان، و در پیشاپیش آنها هزاران رزمنده جان بر کف توده ای، سراسر کشور را فراگرفت.

حکومت دیکتاتوری برخاسته از کودتا، به مدت بیش از یک ربع قرن، یعنی تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی مردم ایران آن را به زیبا لهان تاریخ سپرد، با کمک مالی، نظامی و اطلاعاتی همان دولت های امپریالیستی که آن را بر مسند قدرت نشاندند، میهن ما را به یک گورستان سیاسی بدل کرد و هر صدای آزادی خواهی و استقلال طلبی را تحت عنوان «جلوگیری از خطر کمونیسم» در گلو خفه نمود.

حکومت وابسته پهلوی از تحمیل این اختناق طولانی مدت بر میهن ما دو هدف عمده را دنبال می کرد: نخست، سرکوب هر شکل از مخالفت با غارت و چپاول منابع طبیعی ایران، به ویژه نفت، از سوی دولت های امپریالیستی؛ دوم، حفظ قدرت سیاسی خود به مثابه یکی از حلقه های اصلی محاصره کمربندی دولت سوسیالیستی اتحاد شوروی. این اهداف از همان روز کودتا از سوی آیزنهاور، رئیس جمهور وقت آمریکا، به حکومت کودتا دیکته شده بود. به گفته آیزنهاور (۱۴ اوت ۱۹۵۳): «منابع مواد خام آسیا ... برای حفظ امنیت دنیای آزاد ضرورت دارد ... که اگر به دست کمونیست ها بیافتد محصول بعضی مواد خام مهم ... در دنیای دموکراسی به طور مؤثری تقلیل خواهد یافت. ایران نیز از این لحاظ با سایر کشورهای آسیا در یک ردیف و دارای همان وضعیت است...». به گفته او، «... لازم است دولت آمریکا برای جلوگیری از توسعه نفوذ کمونیسم در کشورهای آسیا و منجمله در ایران اقدامات لازم به عمل آورد. هم اکنون تصمیماتی اتخاذ شده است. دیر یا زود راه توسعه کمونیسم را باید در آسیا محدود کرد. ما به این کار مصمم هستیم».

«آلن دالس» وزیر خارجه وقت دولت آمریکا نیز چند روز پیش از کودتا اعلام کرده بود:

جامعه محروم کرده بود. و درست به همین دلیل بود که رهبری انقلاب بهمن ۵۷ به دست نیروهایی افتاد که نه از تجربه کافی مبارزه انقلابی برخوردار بودند و نه از درکی روشن و دیدگاهی علمی برای حل معضلات جامعه ما پیروی می کردند. یکی از علل اصلی حاکم شدن نیروهای ارتجاعی بر جنبش انقلابی مردم ایران و به بیراهه و شکست کشانده شدن آن را باید در همین واقعیت جستجو کرد.

سرکوب مجدد نیروهای انقلابی در سطح جامعه، به زنجیر کشیده شدن مجدد و اعدام بسیاری از فرزندان مبارز مردم ایران توسط ارتجاعیون حاکم، قلع و قمع خونین کمونیست ها و رهبران جنبش کارگری کشور به دست سران رژیم، همه و همه، علاوه بر داشتن علل دیگر، محصول میراث شوم کودتای خونینی است که به مدت ۲۵ سال راه را بر رشد آزادانه اندیشه های پیشرو اجتماعی و سیاسی در سطح جامعه ایران بست و اکثریت مردم میهن ما را در فقر و محرومیت مادی و معنوی نگهداشت.

کسانی که امروز، پس از سلطه مجدد ارتجاع و اختناق بر میهن ما، دست به مقایسه آنچه که بود با آنچه که هست می زنند و با ساده دلی افسوس گذشته را می خورند، این نکته مهم تاریخی را فراموش می کنند که ارتجاع حاکم کنونی خود فرزند بلافصل رژیم گذشته است و در دامان آن پرورش یافته است. آرزوی بازگشت به گذشته، چیزی جز آرزوی تکرار مجدد فاجعه کنونی نیست. آنچه که باید امروز به شکلی آگاهانه از بافت جامعه ایران زدوده شود.

«تشدید فعالیت حزب غیرقانونی توده ایران و اغماضی که نسبت به فعالیت حزب مزبور روا می گردد باعث نگرانی آمریکای شده است...». رئیس جمهور آمریکا برای توجیه سیاست های تجاوزکارانه دولت متبوع خود حتی مدعی شد که دکتر مصدق برای «منحل کردن» مجلس و «البته برای رسیدن به مقصود از کمونیست ها مدد گرفته است!»

بیهوده نبود که در تمامی طول دوران حکومت کودتایی و وابسته پهلوی، حزب توده ایران، به عنوان عمده ترین و صادق ترین نیروی مدافع آزادی و استقلال ایران، آماج اصلی سرکوبگری های دشمنان مردم ما را تشکیل می داد. هزاران قربانی و ده ها هزار سال زندان بهایی بود که حزب توده ایران می بایست برای دفاع از آزادی و استقلال میهن ما در این مدت بپردازد. اما علی رغم این بهای سنگین، حزب ما هیچگاه از مبارزه در راه رهایی خلق و دفاع از منافع مردم ایران دست نکشید.

پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ هرچند رژیم کودتا را به زیر کشید، اما میراث شوم کودتای ۲۸ مرداد همچنان خود را بر جامعه تحمیل می کرد. یک ربع قرن سرکوب و حبس و اعدام آزادیخواهان و میهندوستان، و در پیشاپیش آنها توده ای ها و رهبران جنبش کارگری - کمونیستی ایران، راه را برای رشد و گسترش اندیشه های پیشرو و نوین در سطح جامعه بسته بود. تبلیغات شدید ضد کمونیستی توسط رژیم پهلوی، همراه با تعطیل همه آزادی های سیاسی و جلوگیری از تشکیل احزاب و سازمان های سیاسی و صنفی توده ای، مردم ایران را به مدت ۲۵ سال از تشخیص و شناخت رهبران واقعی خود در سطح

خطر ماجراجویی آمریکا ...

اجلاس ۸ کشور قدرتمند جهان که در روز ۹ مرداد ماه در پاریس با هدف موضع گیری مشترک در رابطه با تروریسم برگزار شد، گردن نهاد. در این اجلاس که وزرای کشور و امور خارجه قدرتمندترین کشورهای سرمایه داری و روسیه حضور داشتند در مورد ۲۵ اقدام مشخص، به منظور افزایش همکاری در مقابله با گسترش تروریسم و نیز ضرورت جلوگیری قاطع از فروش اسلحه و قرار گرفتن منابع مالی در اختیار کسانی که در ارتباط با تروریسم هستند، به توافق رسیدند. در جریان این اجلاس خانم زانت رنو، دادستان کل آمریکا گفت: «ما اخطار می کنیم که از تمامی منابع لازم استفاده خواهیم کرد تا کسانی را که در عملیات تروریستی شرکت دارند به دست عدالت بسپاریم». در جریان همین اجلاس تصمیم گرفته شد که در ماه نوامبر دوباره جهت تدوین و اتخاذ یک کنوانسیون بین المللی در مورد بمب گذاری ها و تحکیم امنیت وسایل نقلیه عمومی دیداری برگزار شود. جالب توجه است که کلیتاً روز قبل از این اجلاس در ۸ مرداد ماه در یک کنفرانس مطبوعاتی خواستار تحریم ۴ کشور سودان، لیبی، ایران و عراق، به خاطر حمایت آنها از تروریسم بین المللی، شد.

علی رغم تلاش های آمریکا برای متقاعد کردن متحدان اروپایی اش هیچ یک از این کشورها و همچنین ژاپن حاضر نشدند در غیاب مدارک روشن دال بر محکومیت ایران، لیبی، سودان و عراق روابط اقتصادی پر سود خود را فدای خواست های سیاست آمریکا در این زمینه کنند.

تحلیل گران غربی پنهان نمی کنند که اروپا و ژاپن بخش عمده نفت خود را از طریق خلیج فارس تامین می کنند و خواست ایالات متحده برای تحمیل نظرات و برنامه خود در منطقه اثرات مشخصی در رقابت اقتصادی این کشور و اروپا و ژاپن خواهد داشت.

نکته دیگر اینکه ایالات متحده از مدت ها قبل در تدارک تهدید نظامی ایران بوده است. در چند ماهه گذشته و قبل از حادثه انفجار بمب در طهران، ایالات متحده حداقل با سه کشور خلیج فارس قراردادهایی برای انبار کردن تاسیسات و تجهیزات مورد نیاز نیروهای نظامی و اکتش سریع منعقد کرده است. چند هفته است که اخبار و گزارشات متعددی در رابطه با انتقال واحدهای نیروی هوایی ۱۰۱ و دیگر واحدهای نظامی ویژه ایالات متحده به خلیج فارس مطرح است.

اعلام تحریم ایران در ۱۴ مرداد ماه در زمانی صورت می گیرد که به نیروهای آمریکایی در سراسر جهان برای حمله قریب الوقوع گروه های تروریستی نامشخص که گویا در ایران آموزش دیده اند، آمادگی کامل داده شده است. ویلیام پری، وزیر دفاع آمریکا ایران را «مناسب ترین کاندیدا» برای انتقام گیری

آمریکا در قبال مرگ ۱۹ پرسنل آمریکایی اعلام کرد. جریان انفجار بمب در طهران و عدم توانایی دستگاه های امنیتی آمریکا و عربستان در جلوگیری از این حادثه صلابت، قدر قدرتی و کنترل همه جانبه آمریکا را در منطقه خدشه دار کرد و از این رو هیأت آمریکا مصمم است تا با انتقام گیری و «درس» دادن به عاملان این حادثه باردیگر موقعیت خود در منطقه را به تمامی کشورهای منطقه و خصوصاً ایران گوشزد کند.

هیچ یک از جناح های موثر در تصمیم گیری آمریکا در احزاب دموکرات و جمهوریخواه، در لحظه کنونی به دلیل تمایل به جلب حمایت محافل صهیونیستی، مخالف شدت عمل علیه ایران نیستند، از سوی دیگر عربستان سعودی، بزرگ ترین منبع نفت برای کمپانی های آمریکایی، که مواجه با بحران سیاسی است و حاکمیت آن از سوی نیروهایی که مورد حمایت ایران است تحت فشار فزاینده قرار گرفته است، خواستار سرکوب و کنترل جمهوری اسلامی است. اسرائیل نیز در مجازات جمهوری اسلامی که موضع گیری های کنترل نشده ای در قبال تحولات خاورمیانه داشته است ذی علاقه می باشد.

در کنار مسایل مطرح شده در بالا نباید فراموش کرد که در هر نوع تصمیم گیری ایالات متحده تمایل این کشور به حفظ موقعیت خود به عنوان رهبر «نظم نوین جهانی» نقش عمده ای بازی می کند. موضوع دیگری که توجه به آن لازم است تشدید رقابت های اقتصادی کشورهای امپریالیستی و دشواری آمریکا در رقابت آزاد با کشورهای اروپایی، ژاپن و چین در سطح جهان و منطقه است. درگیری های متعدد ایالات متحده با ژاپن و چین بر سر مقررات گمرکی نشانه چین ضعیفی است. جهت عملکرد ایالات متحده در سازمان تجارت جهانی نیز، که با تشویق خود این کشور به جای «گات» پایه گذاری شد، نه تضمین رقابت آزاد بلکه دادن نظم ویژه و پاسداری از داد و ستد بین المللی به نحوی است که انحصارات گول پیکر آمریکایی خواستاران هستند.

ایالات متحده به دلیل کسری موازنه مبادلات خارجی آن یا ژاپن و چین و اروپا قادر به رقابت در یک بازار «آزاد و باز» با رقبای عمده خود در اتحادیه اروپا، ژاپن و آسیای جنوب شرقی نبوده است و لذا یکبار دیگر سعی دارد که با یاری گرفتن از برتری بلامنازع خود در عرصه نظامیگری، وضعیت را به نفع خود تغییر دهد. ایالات متحده درصدد است که با تحمیل سیاست های خود در منطقه در همه زمینه ها، از جمله و خصوصاً استفاده از منابع عظیم طبیعی منطقه تصمیم گیرنده مطلق درباره این بازار وسیع باشد. به عبارت دیگر موضع گیری ایالات متحده در رابطه با ایران، بخشی از جنگ اقتصادی بین قدرت های عمده سرمایه داری بر سر تقسیم بازار و منابع جهان است. ولی خطرات این جنگ را برای مردم جهان و به ویژه ایران که در جریان آن صدمه خواهند دید، نباید از نظر دور داشت. و نهایتاً این حقیقت را که موضعگیری ایالات متحده ۳ ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری این کشور صورت می گیرد نباید فراموش کرد. فاکتور ایران و موضع گیری در قبال آن در نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۸ نقش تعیین کننده ای ایفاء

کرده است.

به بیان تایمز مالی، «در سال انتخابات، هر رخدادی سیاسی است. هر بمبی، هر سانحه هوایی اهمیت کارزاری بالقوه ای دارد. کلیتون با ترسیم تروریسم بین المللی به عنوان خطر عمده ای که ایالات متحده را تهدید می کند و لزوم موضع گیری فوری علیه آن عملاً می خواهد بگوید برای رای دهندگان ایالات متحده به غیر از رای دادن برای او و حمایت از انتخاب مجدد او راهی ندارند». لئون بریتان، مسوول روابط اتحادیه اروپا با ایالات متحده با در نظر گرفتن این عامل است که اظهار می دارد که موضع گیری آمریکا «به خاطر ملاحظات سیاسی داخلی» است. وضعیت آنچنان است که حتی رقیب انتخاباتی او «باب دول» هم مجبور است تایید کند که اقدامات کلیتون «دقیقاً همان چیزی است که او باید انجام بدهد».

در خاتمه باید به خطرات ویژه ای که موضع ایالات متحده متوجه میهن ما و زحمتکشان کشور می سازد، اشاره کنیم. احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران خواه به صورت حمله موشکی به وزارت اطلاعات و شورای امنیت ملی و خواه در شکل وسیع تر حمله به «۱۱ پایگاه تعلیم تروریسم» که مقامات آمریکایی مدعی هستند در شهرهای گوناگون ایران شناسایی کرده اند، جدی است و وظیفه همه نیروهای مترقی و ملی و میهن دوست است که علیه آن موضعگیری کنند.

موضعگیری مطرح در سرمقاله روزنامه دیلی تلگراف در ۱۵ مرداد ماه بیانگر واقعی هدف امپریالیسم جهانی است. در هر گونه تهاجمی به ایران امپریالیسم خواستار استقرار مجدد وضعیتی است که در جریان انقلاب بهمن ۵۷ به تاریخ سپرده شد و مبارزه با تروریسم و حمایت از حقوق بشر و ملاحظاتی از این قبیل کوچک ترین اهمیت و تاثیری در موضعگیری سیاستگذاران ایالات متحده ندارد. امپریالیسم خواستار ایجاد توازن قدرتی در منطقه است که منافع استراتژیک آن را تامین کند. خیال خام برخی از نیروهای اپوزیسیون که شاید از این نمذ کلاهی برای آنان فراهم شود، باطل و دور از واقعیتی است که چندین بار در تاریخ به اثبات رسیده است. حزب توده ایران مخالف هرگونه دخالت نیروهای خارجی در تعیین سرنوشت کشور است و با آن مبارزه خواهد کرد.

«نامه مردم» را بر روی شبکه جهانی ارتباطات کامپیوتری (اینترنت) می توانید در آدرس زیر مطالعه کنید!



<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

رویدادهای جهان



کمونیست ها در کابینه دولت هندوستان

دیوی گوادا، نخست وزیر جدید هندوستان و رهبر دولت ائتلافی متمایل به چپ از دو عضو رهبری حزب کمونیست هند برای قبول پست در کابینه این کشور دعوت کرد. از زمان استقلال هندوستان در سال ۱۹۴۷ برای اولین بار است که کمونیست ها در دولت شرکت می کنند. پست های کلیدی ارایه شده به رهبران حزب کمونیست نشان دهنده اعتبار سیاست های حزب در جامعه می باشد. در ترکیب کابینه جدید، رفیق ایندیراجیت گویتا، دبیر کل حزب کمونیست هند، پست وزارت کشور و رفیق چاتورانان میشرای پست وزارت کشاورزی را به عهده دارند. در انتخابات اردیبهشت ماه هند، حزب کمونیست هند که بخشی از جبهه ائتلافی چپ- ملی را تشکیل می دهد ۱۲ کرسی از ۵۴۵ کرسی موجود را به خود اختصاص داد. حزب کمونیست هند (مارکسیست) که ۳۳ نماینده در پارلمان جدید دارد از پیوستن به کابینه دولت خودداری کرد ولی به حمایت خود از دولت جبهه ائتلافی چپ- ملی ادامه خواهد داد.

حضور ترکیه در کردستان عراق

علی رغم مواضع انتقادی قبلی دولت ترکیه در قبال عملیات «تامین آسایش» که از سوی دولت های عضو پیمان ناتو برای جلوگیری از حمله صدام حسین به کردستان عراق در پنج سال اخیر در جریان بوده است، پارلمان این کشور در ۱۰ مرداد ماه رای به ادامه آن

برای ۶ ماه آینده داد. اهمیت این مسأله به ویژه از این جهت است که حزب اسلامی رفاه که اخیراً قدرت را در دست گرفته است همیشه نسبت به این قرارداد و تهدید آن موضع مخالف اتخاذ می کرد. اربکان، نخست وزیر ترکیه نهانی گفته بود که پرواز هواپیماهای متفقین «مسلمان را در مقابل مسلمان قرار می دهد. ما اجازه نخواهیم داد که آنها حتی یک سب بیشتر باقی بمانند». بر اساس گزارش مطبوعات دولت اسلامی ترکیه، در مقابل امتیازاتی که از متحدین ناتویی خود گرفته است، رضایت خود را از ادامه عملیات «تامین آسایش» اعلام کرده است. برپایه این امتیازات، به زودی ترکیه از رعایت تحریم اقتصادی سازمان ملل علیه عراق مستثنی خواهد شد. ترکیه مدعی است که بخاطر تحریم عراق ۲۰ میلیارد دلار خسارت دیده است. آمریکا، انگلیس و فرانسه تهدید کرده اند که این خسارت را جبران کنند. در حال حاضر حدود ۱۰۰۰ کامیون و تانکر از ترکیه وارد شمال عراق شده و در بازگشت از موصل نفت حمل می کنند که در منطقه جنوب شرقی ترکیه با قیمت ارزان پخش می شود. یکی از اعضای پارلمان ترکیه از حزب رفاه اظهار داشت که پس از این قرارداد «تعداد کامیون ها و ظرفیت بارگیری آنها بیش از دوبرابر خواهد شد. این یک پیروزی حقیقی برای ما خواهد بود». از امتیازات دیگر اینکه به ترکیه اجازه می دهد که تعداد افسران خود را در مرکز هماهنگی نظامی عملیات کشورهای غربی در شهر زاخو در شمال عراق افزایش دهد. ترکیه نقش عمده ای در رابطه با عملیات نظامی نیروهای غربی خواهد داشت. اربکان گفت که آمریکا جهت اطمینان دادن به ترکیه تعهد کتبی داده است که با تشکیل یک دولت کرد در شمال عراق مخالفت و از یکپارچگی عراق حمایت خواهد کرد. او همچنین گفت که این «به ما کمک می کند که تروریسم را از منطقه برویم». نیروهای نظامی ترکیه قبل از این توافق ها به مواضع نیروهای کرد ترکیه در کردستان عراق حمله کرده اند. ترکیه همچنین جمهوری اسلامی را تشویق کرده است که نیروهای نظامی خود را برای حمله به مواضع اپوزیسیون کرد ایران که پایگاه هایی در کردستان عراق دارد به این منطقه وارد کند تا سیاست کشتار و انهدام را در کردستان در هر دو سوی مرز ادامه دهد. در ۱۱

مرداد ماه ۲۰۰۰ نیروی نظامی ایران به نیروهای حزب دموکرات کردستان ایران مستقر در کردستان عراق حمله کرد.

توطئه برای ایجاد عدم ثبات در بلاروس

در هفته های گذشته حملات تبلیغاتی غرب علیه بلاروس، که از زمان امضاء قرارداد بهم پیوستن این کشور با روسیه در جریان بوده، شدت ویژه ای یافته است. مطبوعات غرب برای توجیه سیاست های ناتو در مخالفت با جهت گیری سیاسی این کشور حملات خود به رییس جمهور این کشور را، به اتهام ایجاد دیکتاتوری، افزایش داده اند.

در ۱۰ مرداد خبرگزاری ها از استعفای هم زمان هر سه معاون نخست وزیر و نیز وزیر اقتصاد بلاروس گزارش دادند. این استعفاها به دنبال اظهارات پرزیدنت الکساندر لوکاشنکو در اجلاس شورای امنیت ملی که آنها را عامل بحران اقتصادی دانست، بوقوع پیوست. هم زمان چند نفر از رهبران اصلی جبهه مردمی بلاروس از ایالات متحده تقاضای بنانهنگی سیاسی کردند.

ویکتور ایلیوخین، مسؤل کمیته امنیتی دومای روسیه، در مصاحبه ای با روزنامه «سائتسکایاروسیا»، با تأکید بر گفته های اخیر خود که «سازمان سیای آمریکا در صدد توطئه برای سرنگون کردن لوکاشنکو است... و سیا می خواهد از طریق لهستان و با کمک ناسیونالیست های افراطی اوکرایین ثبات بلاروس را بهم بزند». ایلیوخین روزنامه نگاران و سیاستمداران روسیه را که هشدارهای او را مبنی بر توطئه آمریکا زیر علامت سؤال برده اند به عنوان «ستون پنجمی» ها تقیب کرد. ایلیوخین متذکر شد که بنگاه های امنیتی غرب در لایه های بالای دولت روسیه رخنه کرده اند. آنها «نظرات خود را اعمال می کنند». ایلیوخین گفت که علی رغم شعارهای متعدد یلتسین در دوران کارزار انتخابات ریاست جمهوری، او در راستای سیاست ایالات متحده خواستار واقعی بهم پیوستن روسیه و دیگر جمهوری های سابق اتحاد شوروی نیست.

جنگ اقتصادی آمریکا و اروپا بر سر تحریم کوبا

رفیق لیگ اظهار داشت که صرف نظر از این که قانون هلمس برتون چگونه اجرا شود، تهدید عمده آن علیه خارجیانی است که به همکاری اقتصادی با کوبا ادامه می دهند. وی ضمن اظهار خوشبینی در ادامه روند بهبود اقتصادی کوبا به طور تلویحی از مشکلاتی که اجرای قانون هلمس برتون به دنبال خواهد داشت سخن گفت: «هراقدامی که دشمنی ایالات متحده را علیه کوبا افزایش دهد با خود هزینه بزرگ تری برای ملت ما به همراه خواهد داشت. این فاکتور «ریسک کوبا» نرخ بهره را بالاتر می برد و مذاکرات با کمپانی های خارجی را مشکل ترمی کند».

رفیق لیگ در مصاحبه خود از بهبود بی سابقه وضعیت اقتصادی در مقایسه با گذشته گفت که بهبود برداشت نیشکر در سال کنونی و نتایج غیر منتظره در توریسم و تولید نیکل به کوبا کمک کرده است که در ۶ ماهه اول سال جاری در مقایسه با دوره مشابه سال قبل ۹/۶ درصد افزایش تولید ناخالص ملی داشته باشد. معاون رییس جمهور اعلام کرد که علی رغم تمامی تهییدات ضد کوبایی پیش بینی می شود که امسال تولید ناخالص ملی از هدف ۵ درصد تعیین شده پیشی گیرد. در سال گذشته تولید ناخالص ملی ۲/۵ درصد و در سال ۱۹۹۴ فقط ۰/۷ درصد بوده است.

افراد حقیقی و حقوقی که تحت قیمومیت ایالات متحده نیستند، تحمیل کند. کمیسیون اروپا تصویب کرده است که گردن نهادن کمپانی های اروپایی به قانون «هلمس برتون» غیر قانونی است. لئون برتان مسؤل امور داد و ستد اتحادیه اروپا گفت: «اروپایی ها و آمریکایی تمایل مشترکی برای یاری به کوبا جهت تبدیل به یک عضو مسؤل جامعه بین المللی دارند، ولی (این قانون) راه صحیح برای تحصیل این هدف نیست. ما نمی توانیم در شرایطی که این قانون چون شمشیر داموکلس روی سر کمپانی ها و شهروندان اروپایی آویزان است غیر فعال بمانیم». مصوبه کمیسیون اروپا ماهرانه و با انعطاف طرح شده است و امکان این که کمیسیون اروپا از آن علیه قوانین دیگر و مشابه ایالات متحده استفاده کند وجود دارد. گرچه قبل از تصمیم گیری کمیسیون اروپا، پرزیدنت کلینتون سعی کرد که با برخی تغییرات در زمان بندی اجرای بندهای مختلف این قانون، از تقابل با اروپا جلوگیری کند، عملاً هیچ تأثیری بر موضع اروپا نداشته است. کارلوس لیگ، معاون رییس جمهور کوبا و از رهبران استراتژیک، برنامه ریزی اقتصادی کوبا را در مصاحبه ای گفت که «حتی اگر قانون هلمس برتون با تمام نیروی ممکن اجرا شود، من معتقدم که ملت ظرفیت حفظ بهبود اقتصادی خود را دارد».

تصمیم کمیسیون اروپا در ۹ مرداد ماه در تصویب اقدامات متقابل علیه قانون هلمس برتون که در اسفند ماه گذشته از سوی دولت آمریکا امضاء شده و از روز ۱۱ مرداد ماه به مرحله اجرا گذاشته شد بالقوه هسته های یک جنگ اقتصادی بین دو محور امپریالیستی را در بر دارد.

قانون مزبور توسط هلمس برتون، نماینده کنگره از حزب جمهوریخواه پس از سرنگونی دو هواپیمای ضد انقلابیون کوبایی که به حریم فضایی این کشور تجاوز کرده بودند و به اقدامات تحریک آمیز مشغول بودند، مطرح و به امضاء بیل کلینتون رسید. این قانون که بخشی از اقدامات ایالات متحده را برای فلج کردن اقتصادی کوبای انقلابی و به زانو در آوردن حزب کمونیست کوبا که مصمم به ادامه ساختمان سوسیالیسم در کشور می باشد، تشکیل می دهد. شرکت ها و اشخاصی را که در کوبا به فعالیت تجاری مشغولند و به نوعی اقدامات آنها در رابطه با اموال و مستغلات مصادره شده در جریان انقلاب مردمی سال ۱۹۵۹ کوبا قرار می گیرند را قابل تعقیب می داند. کشورهای اتحادیه اروپا، کانادا، مکزیک و حتی شرکت های آمریکایی اعلام کرده اند که قانون مزبور پایه قضایی ندارد زیرا سعی دارد قانون مصوبه آمریکا را در خارج از مرزهای جغرافیایی آن به شرکت ها و

اندونزی در آستانه انفجار اجتماعی

کشور برجسته تر و برجسته تری شود و رشد طبقه کارگر هم از نظر کمی و هم به لحاظ کیفی تضادهای جدیدی را در جامعه مطرح کرده است.

در ماه گذشته دولت اندونزی که از تحرک نیروهای اپوزیسیون و به ویژه حمایت وسیع نیروهای مردمی از حزب دموکراتیک اندونزی و از مواضع اتخاذ شده از سوی مگاواتی سوکارنو هراسان شده بود از طریق عوامل خود در داخل حزب دموکراتیک به یک کودتای سیاسی دست زد که کنترل اوضاع را از دست ندهد. مگاواتی سوکارنو از رهبری حزب دموکراتیک خلع شد ولی طرفداران او از تخلیه دفاتر و ساختمان های حزبی خودداری کردند. برخوردهای خونین روز ۷ مرداد ماه با حمله نیروهای نظامی و طرفداران جناح مورد حمایت دولت به مرکز حزب دموکراتیک اندونزی آغاز شد و هنگامی که متحصنین از خروج از ساختمان خودداری کردند دامنه درگیری ها وسیع شد و به خیابان های مرکز جاکارتا کشید. هزاران تن از نیروهای مخالف دولت با تظاهرات گسترده خود، در حالی که با نیروهای نظامی مسلح روبرو بودند، عزم خود را به حمایت از جنبش دموکراتیک نشان دادند. طبق گزارشات رسمی ۲۲ ساختمان و ۹۳ اتومبیل به آتش کشیده شده و ۳ نفر در جریان برخوردها کشته شدند.

لاکسامانا سوکاردی، یک مقام رسمی حزب دموکراتیک اندونزی و قوادار به رهبری مگاواتی اظهار داشت که از سرنوشت حداقل ۱۵۸ نفر خبری نیست. بنیاد حمایت قانونی که یک گروه مدافع حقوق بشر است اعلام کرد که ۸۰ گزارش از خانواده اشخاص ناپدید شده، دریافت کرده است. یک مقام رسمی بنیاد اعلام کرد که: «ما هم چنین در به دست آوردن اطلاعات از پلیس و بیمارستان ها با دشواری روبرو هستیم». برخی از گزارش های محافل نظامی حاکیست که ۲۱۵ نفر در بازداشت برمی برند.

در روزهای پس از درگیری ها، مقامات دولتی با استقرار نیروهای نظامی و مسلح در اکثر مناطق جاکارتا برای اعاده کنترل و مرعوب ساختن اپوزیسیون دست به اقداماتی زدند. ژنرال ساتیوسو فرمانده نظامی در جاکارتا رسماً اعلام داشت: «به کسانی که در حال برهم زدن امنیت مشاهده شوند، در جا تیراندازی خواهد شد». او با اشاره به درگیری های ۷ مرداد ماه گفت «ما نیز تحملمان حدی دارد».

دستگیری مختار باکیهان، رهبر اتحادیه کارگران بخش رفاه اجتماعی که از بزرگ ترین اتحادیه های کارگری اندونزی به شمار می آید، توسط نیروهای امنیتی نشانه وحشت و سراسیمگی دولت دیکتاتوری حاکم است. او متهم شده است که در سازماندهی درگیری های ۷ مرداد ماه دست داشته است. اتحادیه

جهان محسوب می شد. جنبش های قدرتمند اجتماعی، از جمله اتحادیه های کارگری، جنبش دهقانی - زنان و سازمان های فرهنگی در جامعه رشد سریع داشتند.

فعالیت اتحادیه های کارگری علیه کمپانی های استعمارگر پرتغالی، جنبش ضد استعماری قدرتمندی را در کشور بوجود آورد. در سال ۱۹۵۷ تقریباً تمامی کمپانی ها توسط کارگران اشغال و ملی شدند. طی این دوره حزب کمونیست اندونزی بسیار با نفوذ و از رشد گسترده ای برخوردار بود.

ولی این سیستم دموکراتیک لیبرالی از سوی ژنرال های دست راستی افراطی، که منافع خود را در کمپانی های ملی شده و نیز قاچاق از دست داده بودند و شدیداً نگران رشد جنبش چپ بودند، دایماً مورد حمله قرار می گرفت. شورش نیروهای تحت کنترل این ژنرال ها در جزایری که اندونزی را تشکیل می دادند وضعیت دشواری در کشور ایجاد کرده بود. در سال ۱۹۵۹ نظامیان پرزیدنت سوکارنو را وادار ساختند که پارلمان انتخابی را منحل کند. در ۱۹۶۵ ژنرال ها یک کودتای تمام عیار را سازمان دادند که در جریان آن بیش از ۵۰۰/۰۰۰ نفر و از جمله بیش از ۱۰۰/۰۰۰ نفر از فعالین حزب کمونیست کشته و صدها هزار نفر دستگیر و احزاب چپ ممنوع شدند. در سال ۱۹۶۶ ژنرال سوهارتو به نمایندگی از نظامیان راستگرا به ریاست جمهوری انتخاب شد.

صدها هزار نفر که در سال های دهه ۶۰ میلادی به دلیل حمایت از حزب کمونیست دستگیر شده بودند هنوز هم زیر فشارها و محرومیت های حقوق مدنی هستند و حتی کودکان آنها مورد تبعیض قرار دارند. به برکت سرمایه گذاری کمپانی های ژاپنی و چند ملیتی و سرکوب شدید جنبش کارگری در دهه های اخیر اندونزی توانسته است به توسعه نوعی اقتصاد با جهت گیری برای صادرات صنایع سبک موفق گردد. در همین سال ها بود که جنبش مردم تیمور شرقی به دست نظامیان حاکم بر اندونزی به طرزی خشن سرکوب شد. طی سال های اخیر عدم همخوانی سیستم دیکتاتوری با رشد اقتصادی

تظاهرات خونین ۷ مرداد ماه در جاکارتا سکوت مرگباری را که حکومت متکی به نظامیان اندونزی برای بیش از ۳۰ سال به مردم این کشور تحمیل کرده بود، درهم شکست و بار دیگر ثابت نمود که حکومت متکی به سرنیزه در هیچ پوشی ابدی نیست. تحولات هفته های اخیر دل بر این است که نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک کشور و به ویژه اتحادیه های کارگری مستقل با مقاومت یکپارچه و سازمان یافته برای تغییر مسیر تحولات اندونزی به مبارزه ای جدی پرداخته اند. در مرحله کنونی مبارزات نیروهای مردمی برجستگی نقش حزب دموکراتیک اندونزی و به ویژه خانم مگاواتی سوکارنو پوتری، رهبر جناح چپ این حزب، مشهود است. مگاواتی فرزند سوکارنو، رئیس جمهور پیشین اندونزی است که دولت قانونی او ۳۰ سال پیش به دنبال یک کودتای خونین توسط نظامیان هم پیمان با ژنرال سوهارتو، رئیس جمهور کنونی اندونزی، سرنگون شد. جنبش ضد دیکتاتوری کنونی طیف وسیعی از نیروهای دموکراتیک و به ویژه اتحادیه های کارگری را در بر می گیرد و مشخصه های ویژه عدالت خواهانه و برابری طلبانه دارد. به لحاظ توجهی که برخی فعالان جنبش در سال های اخیر به مساله رشد و توسعه و ارتباط آن با دموکراسی و حقوق بشر داشته و گاهی اندونزی و سایر کشورهای به اصطلاح «بیرهای اقتصادی» را الگوهای مناسبی برای نمونه برداری تلقی کرده اند. بررسی دقیق تر تحولات اخیر برپایه نگاهی کوتاه به تاریخ معاصر اندونزی مفید خواهد بود.

در نیمه اول قرن بیستم که اندونزی مستعمره پرتغال بود، جنبش های ضد استعماری قدرتمند و از جمله حزب کمونیست بسیار منضبط و قوی بوجود آمدند. در طی جنگ جهانی دوم این کشور توسط نیروهای نظامی ژاپن اشغال شد. شکست نظامیگری ژاپن در جنگ و عدم توانایی استعمارگران پرتغالی و سپس انگلیسی و هلندی برای اعمال یک سیستم استعماری جدید در این منطقه، همزمان با اوج گیری جنبش مردمی در این کشور بود. بین سال های ۱۹۴۵ و ۱۹۵۹ علی رغم مشکلات گوناگون داخلی و خارجی اندونزی در قالب یک کشور مستقل، غیر متعهد با سنت های دموکراتیک قدرتمند شکل گرفت. سیستم پارلمانی این کشور یکی از آزادترین انواع آن در

ادامه در ص ۴

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:486

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

13 August 1996

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse بانک

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک